

۱۱ خرداد، با یگور تسویه می‌شود؟



به دلیل شیوع ویروس کرونا و به تعویق افتادن رقابت‌های المپیک، به احتمال زیاد تیم ملی والیبالی ایران در سال ۹۹ فعالیت جدی نخواهد داشت و به همین دلیل فدراسیون والیبالی به همکاری خود با یگور کولاکوویچ، سرمربی تیم ملی خاتمه داد. دستمزدها ماهانه یگور کولاکوویچ حدود ۱۵ هزار یورو بود و فدراسیون ایران از دی ماه هیچ پرداختی به وی نداشت. در اواخر دی هم، کولاکوویچ توانست همراه با تیم ملی جواز حضور در المپیک را کسب کند که طبق قرارداد پنج هزار یورو هم به عنوان پاداش برای وی در نظر گرفته شده بود. به این ترتیب فدراسیون والیبالی ایران باید مبلغی حدود ۶۵ هزار یورو (بیش از ۱۰ میلیارد ریال) به این مربی مونته‌نگروی پرداخت کند. اخیراً کولاکوویچ در مصاحبه‌ای با رسانه‌های خارجی ابراز امیدواری کرده بود که نیاز نباشد برای گرفتن طلبش از فدراسیون ایران، راهی تهران شود. در طول سه سال اخیر فدراسیون والیبالی دستمزد کولاکوویچ را به صورت نقدی به وی پرداخت می‌کرد و حالا مسئولان فدراسیون هم در تلاش هستند تا با پیدا کردن راه حلی بتوانند طلب این مربی را پرداخت کنند. طبق توافق طرفین فدراسیون ایران تا ۱۱ خرداد برای پرداخت بدهی سرمربی سابق خود زمان دارد. باید منتظر ماند و دید که آیا فدراسیون می‌تواند تا این تاریخ بدهی یگور را پرداخت کند یا باید منتظر واکنش جدیدی از کولاکوویچ باشیم.

■ ■ ■

عزم جدی برای مبارزه با دوپینگ

فدراسیون کشتی، در نامه‌ای شرحی از اقدامات خود را در راه مبارزه با دوپینگ به اطلاع اتحادیه جهانی رساند. در نامه فدراسیون کشتی به تشکیل کمیته مبارزه با دوپینگ، استفاده از متخصصان در این حوزه افزایش دوربین‌های آزمایشات انجام شده در رویدادهای داخلی، برگزاری جلسات با ستاد مبارزه با دوپینگ ایران (نادو) و برنامه‌ریزی برای انجام آزمایشات بیشتر تا ۶ برابر در تمامی رویدادهای داخلی از جمله مسابقات قهرمانی کشور، رقابت‌های لیگ، اردوها... اشاره شده است. همچنین در این نامه فدراسیون کشتی ایران از عزم جدی خود برای مبارزه با دوپینگ و در اختیار قرار دادن آدرس منزل و شماره تلفن بیش از ۱۵۰ کشتی‌گیر آزاد و فرنگی به مسئولین نادو برای انجام تست‌های سرزده خبر داده است. درج نام افراد متخلف (دوپینگی) روی سایت فدراسیون، گرفتن تعهدنامه از کشتی‌گیران در بدو ورود به اردوهای آماده‌سازی برای جلوگیری از دوپینگ و ملزم کردن آنها برای پذیرفتن مسئولیت محرومیت‌ها و جریمه‌های مربوط به آن و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مورد مواد نیروزا از دیگر اقدامات در دستور کار فدراسیون است که گزارش آن به اتحادیه جهانی ارسال شده است.

■ ■ ■

پیشنهاد ۲۰ میلیون دلاری

به تاپسون

مایک تاپسون قهرمان سابق بوکس جهان با ۵۳ سال سن دوباره تمرینات خود را از سر گرفته تا در مبارزه نمایشی برای کمک به خیریه مبارزه کند. این بوکسور سنگین‌وزن جهان با انتشار ویدئوهایی در صفحه شخصی خود تمریناتش را به اشتراک گذاشت. اخیراً شایعه شده مسابقات قهرمانی Bare Knuckle Fighting به تاپسون مبلغ ۲۰ میلیون دلار برای مبارزه پیشنهاد داده اگر چه تاپسون هنوز هیچ پاسخی به این درخواست نداده است. این در حالی است که مایک تاپسون با پیشنهاد جالب بوکسورهای جهان از جمله اوند هالیفیلد ۵۷ ساله برای یک مبارزه نمایشی رویه‌رو شده است.

■ ■ ■

پورشیب امیدوار شد

ذبیح... پورشیب کاپیتان تیم ملی کاراته با اصلاحات فدراسیون جهانی برای مسابقات گزینشی المپیک این شانس را دارد که سهمیه این رقابت‌ها را به دست بیاورد. او در این باره گفت: «خدا را شکر که شرایط دوباره مثل قبل شد و شانس مجدد برای کسب سهمیه المپیک را دارم. امیدوارم بتوانم از این فرصت به خوبی استفاده کنم تا جزو نفرات المپیک کشورمان شوم. همه تیم کنار هم برای یک هدف تلاش می‌کنند. با شرایط خوبی که در تیم ملی حاکم است، همه دنبال یک رقابت سالم و دوستانه هستند تا در نهایت شایسته‌ترین فرد المپیک توکیو شود.»

یک سوال ساده برای متقاضیان انصراف از لیگ برتر

چرا از فوتبال نمی‌روید؟



آریا رهنورد

تیم داشتن، دست بر نمی‌دارد؟ شهر خودرو، نساجی، ماشین‌سازی و تراکتور. در بین چهار باشگاه متقاضی پایان این فصل از لیگ برتر، دو باشگاه به یک شخص تعلق دارد! اگر دوستان تا این اندازه به قانون و جزئیاتش اهمیت می‌دهند، ابتدا باید به خودشان یک نامه بنویسند و از خودشان بخواهند که به حرکت غیرقانونی تیمداری هم‌زمان در لیگ برتر ادامه ندهند. نمی‌توانیم ادعای «قانون‌مداری» امثال نوزی را باور کنیم و در عین حال، ببینیم که او با دو تیم مشترک در رقابت‌های لیگ برتر حاضر می‌شود. در واقع تا زمانی که این گاف بزرگ در اطراف این

مدیر قابل مشاهده است، عملاً هیچ توصیه و نصیحتی به قانونی‌گرایی از طرف او پذیرفته نخواهد بود. اتفاقاً در متن همین نامه ضعیف و پراشکال، از تسلط نگاه «ارباب-رعیتی» در فوتبال ایران نوشته شده است. اتفاقاً این موضوع کاملاً حقیقت دارد. در همین فوتبال ارباب‌هایی مثل «نوزی» می‌توانند هم‌زمان دو تیم داشته باشند و هیچ‌کس نیز کوچک‌ترین تذکری به آنها ندهد. آنها به خیال خودشان نگران «بازیکان» و سلامت اعضای فوتبال هستند اما یک نفر باید از این افراد که اتفاقاً در بیزینس‌های مختلف هوایی‌های دیگر فعالیت‌های تجاری

سهم دارند، بپرسد که آیا سایر کارکنان این افراد نیز در تعطیلی به سر می‌برند؟ آیا در یک کشور ۸۰ میلیونی، تعطیلی شغلی به خاطر ویروس کرونا تنها حق مسلم بازیکنان فوتبال است؟ آیا امثال نوزی و حمیدادی به جز فوتبال‌بست‌ها، هیچ نگرانی خاصی در مورد کارکنان دیگرشان ندارند؟ امضاکنندگان این نامه فاجعه‌بار، معتقدند که ادامه رقابت‌های برای شان منافع مالی ندارد. راست هم می‌گویند اما مگر قبل از کرونا، آنها در آمدی از این فوتبال داشتند؟ مگر قبل از این بیماری، آنها سود سرشاری از بلیت‌فروشی و تبلیغات دور زمین به دست می‌آوردند؟

مدیری که به خاطر پوپولسیسم قیمت بلیت دیدارهای تیمش را به شدت ارزان می‌کند، دیگر نباید از «منفعت» اقتصادی حرف بزند. مگر همین مدیر و تیمش قبل از انتشار ویروس، حق بخش تلویزیونی می‌گرفتند؟ شرایط هنوز همان است. پس اگر واقعا مانند در این فوتبال هیچ سودی برای مدیران این چهار باشگاه ندارد، چرا آنها برای همیشه دست‌از‌سر فوتبال بر نمی‌دارند و قید حضور در لیگ برتر را نمی‌زنند؟

برگزاری لیگ برای نوزی منفعت مالی ندارد اما او هر سال، چندین میلیارد به کاپیتان‌های تیم ملی پرداخت می‌کند. اگر واقعا سودی در کار نیست، چرا تراکتور هر سال با هزینه‌ای بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بسته می‌شود؟ چرا این باشگاه دائماً مربی خارجی جذب می‌کند؟ چرا باشگاه شهر خودرو چنین خریدهای گرانقیمتی انجام می‌دهد؟ چرا نساجی سال‌ها برای لیگ برتری شدن، به هر دری می‌زند؟ ماجرا کاملاً ساده به نظر می‌رسد. هدف آقایان مالک از حضور در فوتبال، تنها پول درآوردن نیست. آنها با حضور در صحنه این رقابت، یک شبه مشهور می‌شوند و روی جلد می‌روند. آدمی که قبل از این حتی در بین اقوام نزدیک هم شناخته شده نبوده، ناگهان آنتن زنده تلویزیون را به دست می‌آورد و دائماً در صفحه اول اخبار دیده می‌شود.

این فرد به لطف هزینه کردن در فوتبال، از مزایای مالیاتی نیز برخوردار می‌شود و از آن مهم‌تر اینکه در شهر محل زندگی‌اش، به شهرت و محبوبیت می‌رسد و حتی می‌تواند فعالیت‌های سیاسی را نیز آغاز کند. پس لطفاً دیگر نگویید که مالز فوتبال هیچ منفعتی ندارد. همه شما مالکان خصوصی، در شهر خود صاحب شهرت زیادی شده‌اید. آدم‌ها شما را با دست نشان

برگزاری لیگ برای نوزی منفعت مالی ندارد اما او هر سال، چندین میلیارد به کاپیتان‌های تیم ملی پرداخت می‌کند. اگر واقعا سودی در کار نیست، چرا تراکتور هر سال با هزینه‌ای بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بسته می‌شود

می‌دهند و برای تان هورامی کشند. همه اینها را هم مدیران فوتبال هستند. پس در اولین فرصتی که به دست آوردید، سعی نکنید زیر میز فوتبال بکوبید و همه چیز را زیر سوال ببرید. سعی نکنید از اساس منکر علاقه به حضور در لیگ برتر شوید. اگر واقعا احساس می‌کنید که بودن در این فوتبال چیزی به شما اضافه نکرده، چرا همین حالا امتیاز باشگاه را واگذار نمی‌کنید و نمی‌روید؟ چرا به جای درگیری همیشگی با فوتبال، سرگرم انجام کارهای دیگر نمی‌شوید؟

آقایان مالک، به فرض هم که فوتبال را تعطیل کردید و با فشار گسترده، به هدف خود رسیدید. تصمیم بعدی تان چیست؟ لیگ بعد از چه زمانی برگزار خواهد کرد؟ طبعاً نباید انتظار داشته باشید که لیگ نوزدهم تمام بماند اما لیگ بیستم یک ماه دیگر برگزار شود. از آنجایی که بر اساس پیش‌بینی‌ها پیک کرونا در پاییز برمی‌گردد، پس فوتبال باید برای مدت بسیار زیادی تعطیل باشد. البته که شما از این ایده هم استقبال می‌کنید. چرا که با وجود تعطیلی رقابت‌ها و انجام ندادن هیچ هزینه‌ای، همچنان در صفحه اول اخبار خواهید بود. با تماشای چنین رفتارهایی، حتماً استقلالی‌ها و پرسپولیسی‌ها خوشحال‌اند که باشگاه‌شان به مالکین خصوصی واگذار شده است.



رعایت نکند و از آن جا که درهای محل تمرین روی خبرنگارها نیز بسته شده‌اند، این ماجرا هیچ وقت کشف نشود.

پروتکل بی‌پول

مسئولان فدراسیون و سازمان لیگ، یک نکته مهم را کاملاً نادیده گرفته‌اند. اینکه بعضی از باشگاه‌ها در همین فوتبال، پول «آب معدنی» هم ندارند و طبیعتاً قادر به پشت سر گذاشتن تست‌های کرونا نیستند. رعایت پروتکل بدون پول، هرگز میسر نخواهد شد. حداقل فدراسیون می‌توانست یک بسته حمایتی را با کمک دولت برای بازگشت فوتبال در نظر بگیرد و انگیزه شروع دوباره را برای تیم‌ها ایجاد کند. بی توجهی به این موضوع، یک مشکل بزرگ دیگر محسوب می‌شود که روند تست‌ها را در بعضی از باشگاه‌های لیگ برتر مختل کرده است.

در سن سیرو رقم بزند اما بحران کرونا و حالا این مصدومیت، همه چیز را تغییر داده‌اند. به نظر می‌رسد دیگر خبری از یک دوران باشکوه برای ایربا در بین قرمز و مشکی‌ها نخواهد بود. او کمی «دیر» به میلان برگشته و برای انجام یک کار بزرگ، فرصت زیادی ندارد. البته که نتیجه نهایی آزمایش‌ها هنوز منتشر نشده و شاید این بازیکن بتواند ظرف چند ماه به زمین فوتبال برگردد اما اینکه او در چنین سن و سالی بتواند دست به کارهای بزرگ در زمین بزند، کمی بعید به نظر می‌رسد. ایربا در بازگشت به میلان، روزهای نسبتاً خوبی را در ترکیب این تیم سپری کرده اما کیفیت این روزهای او با سطح توانایی‌هایش در اولین دوره بازی برای روسونری قابل مقایسه به نظر نمی‌رسد. هنوز هم او، یک چهره محبوب در بین هواداران میلان به شمار می‌رود اما حتی این هواداران نیز به خوبی می‌دانند که زلاتان دیگر آن بازیکن مهارت‌شده و حیرت‌انگیز سابق نخواهد بود. آن روزهای طلایی دیگر سپری شده‌اند.

قاطع باشگاه‌ها، حتی یک ناظر از فدراسیون و یا سازمان لیگ در زمان انجام آزمایش‌ها در باشگاه حضور نداشته است. مگر می‌شود تیم‌های مختلف ار مکتف به انجام تست کرونا کنی اما خودت کوچک‌ترین نظارتی روی این اتفاق نداشته باشی؟ در چنین شرایطی چطور باید به نتایج حاصل از این تست‌ها اعتماد کرد؟ اصلاً چطور باید خروجی‌های نوشته شده روی کاغذهای آزمایشگاهی را بدون چون و چرا پذیرفت؟ از کجا معلوم که در یک تیم، یک بازیکن به جای بازیکن دیگر تست نداده باشد؟ نهادهایی که به این اندازه روی بازگشت فوتبال تأکید دارند، حتی به اندازه فراهم کردن نیروی نظارتی برای آزمایش‌های کرونا ارزش قائل نشده‌اند.

اسامی پنهان

ایران تنها کشور دنیا محسوب می‌شود که باشگاه‌های فوتبالش، اسامی مبتلایان به کرونا را پنهان می‌کنند. همان افرادی که به خیال خودشان می‌خواهند با حضور دوباره فوتبال، ترس جامعه از کرونا را بریزند، با این پنهانکاری ترس و نگرانی بیشتری درباره کووید ۱۹ به وجود می‌آورند. این کار خودش به تنهایی، بزرگ کردن بیش از حد این بیماری است. در فوتبال ایران خیلی از فوتبال‌بست‌ها به کرونا مبتلا شدند و هیچ مشکلی هم برای آنها به وجود نیامد. این وضعیت نه ترسناک است و نه می‌تواند «خجالت‌آور» باشد اما به شکل حیرت‌انگیزی، در پروتکل بهداشتی هیچ اشاره‌ای به معرفی این اسامی نشده است. به همین



این اولین بار نیست که ایربا در ناحیه آشیل دچار مشکل می‌شود. او در روزهای بازی برای باشگاه لس آنجلس گلکسی نیز چنین مشکلی را تجربه کرده بود و حالا در بازگشت به اروپا، دوباره با این دردناک‌دهنده دست و پنجه نرم می‌کند. پیش‌بینی‌های اولیه در مورد وضعیت این فوق‌ستاره، چندان امیدوارکننده نیستند. بعضی از رسانه‌ها از پایان این فصل فوتبال برای او نوشته‌اند و بعضی‌های دیگر، حتی از احتمال پایان دوران فوتبال این بازیکن خبر داده‌اند. زلاتان همیشه به عنوان یک مهره تومند و تسلیم‌ناپذیر در زمین فوتبال ظاهر شده اما به نظر می‌رسد که افزایش سن حتی برای بازیکنی مثل او نیز، یک تهدید بزرگ باشد. او هر چقدر